

پوشش خبری رویدادهای دو کشور بحرین و سوریه در سایت فارسی شبکه العالم

محمد مهدی فرقانی^۱، علیرضا نیکخواه ایبانه^۲

چکیده

مقاله حاضر به منظور بررسی تطبیقی پوشش خبری سایت فارسی شبکه تلویزیونی العالم در مورد رویدادهای دو کشور بحرین و سوریه، در مقطع زمانی که به «بیداری اسلامی» شهرت یافته، انجام گرفته است. در این نوشتار از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده، نمونه‌گیری آن هدفمند از نوع روزهای متوالی و واحد تحلیل آن نیز «خبر» است.

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهند در دوره مورد بررسی، حوادث بحرین به‌طور معناداری پوشش خبری بیشتری نسبت به حوادث سوریه گرفته است. در عین حال حکومت سوریه به‌طور معناداری پوشش خبری مثبت‌تری نسبت به حکومت بحرین گرفته است. همچنین تعداد اخبار العالم درباره هر یک از دو کشور، جهت‌گیری و برجسته‌سازی این سایت و استفاده آن از واژگان، پیش فرض‌ها، تلقین‌ها، چارچوب‌ها، انگاره‌ها و کلیشه‌ها به گونه‌ای است که در مجموع ذهنیت مثبتی از اعتراض‌ها و مخالفان بحرین و همچنین از نظام سوریه و اقدام‌های آن در مخاطبان ایجاد می‌کند و در مقابل تصاویری منفی از اعتراض‌ها و مخالفان سوریه و همچنین نظام بحرین و اقدام‌های آن در ذهن مخاطبان شکل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

پوشش خبری، العالم، بحرین، سوریه

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۲۸

۱. استادیار گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

mmforghani@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

alirezanikkhah@gmail.com

مقدمه

این نوشتار به منظور بررسی پوشش خبری سایت فارسی شبکه تلویزیونی العالم در مورد حوادث و رویدادهای دو کشور بحرین و سوریه، در مقطع زمانی که به «بیداری اسلامی» مشهور شده، انجام گرفته است.

با توجه به اینکه سایت العالم، در مطالب خود، بخش مهمی از اخبار، گزارش‌ها و مصاحبه‌های شبکه تلویزیونی العالم را نیز پوشش می‌دهد، زمینه مناسبی برای بررسی سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی این شبکه، به عنوان یک شبکه مهم ایرانی است.

هدف از انتخاب کشورهای بحرین و سوریه نیز آن بود که با مطالعه تطبیقی پوشش خبری مربوط به جنبش‌های اجتماعی و حوادث این دو کشور، رویکردها، رویه‌های تنظیم اخبار و جهت‌گیری‌های احتمالی شبکه العالم مشخص شود. از آنجا که العالم شبکه‌ای وابسته به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است، احتمال آن می‌رفت که نحوه پوشش خبری این شبکه از حوادث منطقه، با موضع‌گیری و نگرش رسمی ایران در زمینه سیاست خارجی هم‌راستا باشد. به همین خاطر پوشش خبری وقایع سوریه (به عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان ایران) و بحرین (به عنوان نظامی که اختلاف‌هایی با ایران دارد) مورد بررسی قرار گرفت تا صحت و سقم این احتمال و نیز سیاست‌های شبکه العالم مشخص شود. در عین حال لازم است اشاره شود که این نوشتار در تحلیل‌های خود، به دنبال قضاوت ارزشی درباره عملکرد شبکه العالم نیست، بلکه هدف صرفاً مقایسه پوشش خبری سایت العالم در مورد حوادث بحرین و سوریه و استخراج ویژگی‌های آن بر اساس تحلیل‌های کمی و کیفی است.

مبانی مفهومی و نظری

❖ سال چهاردهم، شماره پست دوم، تابستان ۱۳۹۲

در این قسمت به برخی از مفاهیم و نظریه‌های مورد استفاده در تحقیقات مربوط به پوشش خبری و تحلیل اخبار اشاره می‌شود. واژگان مثبت و منفی، تلقین، تداعی، کلیشه‌سازی و پیش‌فرض‌ها به‌عنوان مفاهیمی کاربردی در تحلیل‌های کیفی که به تحلیل نتایج در راستای هدف و موضوع این بررسی نیز کمک شایانی می‌کنند، مبانی مفهومی نوشتار حاضر را شکل می‌دهند. نظریه‌های برجسته‌سازی، چارچوب‌سازی و انگاره‌سازی نیز تکیه‌گاه نظری این بررسی قرار گرفته‌اند، چراکه نظریه‌هایی پرکاربرد در بررسی‌های مربوط به پوشش خبری محسوب شده و به‌خوبی می‌توانند، رویکردها، رویه‌ها و سیاست‌های خبری حاکم بر رسانه را تحلیل کنند.

واژگان (مثبت - منفی)

این مؤلفه، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به‌شمار می‌آید همراه با بار معنایی و کارکردی آنها در متن، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اینکه واژگان کانونی متن چیست و موضوع و مفهوم مورد نظر را مثبت یا منفی توصیف کرده‌اند، به نوعی معرف خط اصلی سردبیری و گفتمان حاکم بر پوشش خبری رسانه است. آگاهی از اینکه چه واژگانی در جایگاه مثبت (سفید) به‌کار رفته‌اند یا کدام واژگان در موضع منفی (سیاه) نشست‌اند، می‌تواند در زمینه تحلیل واقع‌بینانه متن و اهداف و زمینه‌های تولید متن به محقق یاری رساند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۲).

دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)

شناخت دلالت‌های ضمنی به تحلیلگر کمک می‌کند در مرحله تفسیر متن با بهره‌گیری از دانش زبانی خود نشان دهد که یک جمله یا گزاره، حاوی کدام معانی

غیرصریح و غیر آشکار است و نویسنده از به کار بردن آن چه قصد و نیتی داشته و در نتیجه، کاربرد این دلالت‌ها کدام معانی یا پیامدها را به همراه دارد. تلقین یا القا به مطالعه‌ی اموری مربوط می‌شود که روشن می‌کند متن درصدد ایجاد ذهنیت پیرامون کدام آموزه‌های فکری یا توصیه‌های عملی است و تداعی به معنای یادآوری مفاهیم و موضوع‌های ناگفته در متن است. به بیان دیگر «در تلقین و تداعی، نویسنده، غالباً به‌طور غیرمستقیم، می‌کوشد افکار، ایده‌ها و زمینه‌های ذهنی خاصی را در ذهن مخاطب شکل دهد» (Van Dijk, 1991: 113-114).

کلیشه‌سازی^۱

کلیشه‌سازی یکی از راهبردهای سیاست بازنمایی است.

کلیشه عبارت است از تنزل انسان‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مبالغه‌آمیز و معمولاً منفی. در نتیجه کلیشه‌ای کردن شخصیت‌ها عبارت است از: تقلیل دادن، ذاتی کردن، آشنا کردن و تثبیت «تفاوت» و از طریق کارکرد قدرت، مرزهای میان بهنجار و نکبت‌بار، ما و آنها را مشخص کردن (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹).

کلیشه‌سازی به‌عنوان یک رویه‌ی دلالت‌گر در رابطه با بازنمایی تبعیض نژادی، قومی و غیره، نقش کانونی ایفا می‌کند. کلیشه‌سازی، راهبرد تقسیم کردن را به‌کار می‌گیرد. کلیشه‌سازی ویژگی‌های بهنجار و قابل قبول را از نابهنجار و غیرقابل پذیرش جدا می‌سازد. سپس هر چیزی را که در درون بهنجار و قابل قبول ننگند و متفاوت باشد طرد می‌کند. کلیشه به‌طور نمادین مرزها را مشخص می‌سازد و هر چیزی که به ما تعلق ندارد طرد می‌نماید. کلیشه‌سازی نوعی مرز نمادین را میان

1. Stereotyping

پوشش خبری رویدادهای دو کشور... ❖ ۱۲۳

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

نرمال و منحرف، قابل قبول و غیرقابل قبول و ما و دیگری معین می‌سازد. کلیشه‌سازی پیوند دادن یا متحد ساختن همه ماهایی را که نرمال هستند در یک اجتماع تخیلی فراهم می‌کند و همه آنها یعنی دیگران را که به گونه‌ای متفاوت هستند فراسوی حد و مرز به تبعید نمادین می‌فرستد. نکته دیگر اینکه، کلیشه‌سازی در جایی شکل می‌گیرد که نابرابری‌های آشکار و ناموجه قدرت وجود دارد. فوکو کلیشه‌سازی را «نوعی بازی قدرت/معرفت» می‌نامد. قدرت، معمولاً گروه‌های زیردست و طردشده را هدف می‌گیرد. این امر شامل اعمال قدرت نمادین برای معرفی کسی یا چیزی به شیوه‌ای معین از طریق رویه‌هایی بازنمایی می‌شود. کلیشه‌سازی در این اعمال خشونت نمادین یک عنصر کلیدی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱ - ۲۰).

پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استنتاج یا استدلال نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهند. بنابراین شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیلگر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی‌برد. مثلاً مفروض دانستن مبانی مشروعیت یک نظام سیاسی و اجازه‌چون و چرا و استدلال ندادن به دیگران در اساس آن از جمله مواردی است که اگر در مورد یک نویسنده (یا یک رسانه) صدق کند، می‌توان استدلال و استنتاج‌های او را پیش‌بینی یا توجیه کرد و درواقع اهداف پنهان او را بازشناخت. «به‌طور کلی پیش‌فرض‌ها شامل مفروض‌هایی است که فهم ارتباط میان قضایا و موضوع متن، مشروط به آنهاست» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۲).

نظریه برجسته‌سازی^۱

برجسته‌سازی مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوع‌ها و رویدادها در قالب خبر و گزارش خبری است. به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن بعضی از موضوع‌ها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند. گرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» ببینند، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره چه» ببینند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۹ - ۵۸).

برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوع‌هایی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند تعیین می‌کنند. مک کامبز^۲ و شاو^۳، اولین مطالعه سیستماتیک را در مورد فرضیه برجسته‌سازی در سال ۱۹۷۲ گزارش کرده‌اند. آنها در تحقیق سال ۱۹۶۸ خود بر روی دو مؤلفه تمرکز کردند: آگاهی و اطلاعات. آنها با مطالعه برجسته‌سازی در مبارزه ریاست جمهوری سال ۱۹۶۸ (ایالات متحده آمریکا)، این فرضیه را مطرح کردند که رسانه‌های جمعی برای هر مبارزه سیاسی، اولویت‌هایی را تعیین می‌کنند و بر اهمیت نگرش‌ها نسبت به موضوع‌های سیاسی اثر می‌گذارند. آنها مطالعه خود را با تمرکز بر «رأی‌دهندگان تصمیم‌نگرفته» انجام دادند؛ زیرا کسانی که هنوز تصمیم‌نگرفته‌اند، باید مستعدترین افراد برای آثار برجسته‌سازی باشند. کامبز و شاو به این نتیجه رسیدند که رسانه‌های جمعی تأثیر قابل توجهی بر آنچه که رأی‌دهندگان به عنوان موضوع‌های مهم و اساسی رقابت انتخاباتی می‌دانند، بر جای می‌گذارند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۲۸ - ۳۲۶).

به طور کلی در برجسته‌سازی این طور عنوان می‌شود که تکرار یک مطلب منجر

1. Agenda-Setting
2. Mc Combs
3. Shaw

به مهم جلوه یافتن و برجسته شدن آن می‌شود. هرچه یک موضوع در رسانه‌ها بیشتر تکرار شده و پوشش بیشتری بگیرد، اولویت بالاتری در ذهن عموم پیدا می‌کند و این اولویت‌های ذهنی، معیار تصمیم‌گیری مردم می‌شود. به عبارت دیگر تأثیر مفروض برای برجسته‌سازی، ناشی از تکرار و در دسترس بودن موضوع است (Edy & Meirick, 2007: 120).

نظریه چارچوب‌سازی^۱

چارچوب‌سازی به روند سازمان دادن به حقیقت از طریق طبقه‌بندی وقایع به روش‌های خاص، تأکید بیشتر بر بعضی جوانب آنها نسبت به بقیه و تصمیم‌گیری درباره معنای یک حادثه و چگونگی رخداد آن اطلاق می‌شود. هرگونه ارائه حقیقت، حتی اگر از تعادل لازم هم برخوردار باشد، باز هم با نوعی چارچوب‌سازی همراه شده است. چارچوب‌سازی با انتخاب، تأکید و حذف همراه است. واژه‌هایی که روزنامه‌نگاران استفاده می‌کنند، ساختار روایت رویداد، واقعیت‌هایی که در ماجرا می‌گنجانند یا از آن حذف می‌کنند و مردمی که از ایشان نقل قول می‌کنند، همه به شکل دادن رویداد به صورتی خاص کمک می‌کنند (Devereux, 2007: 134,137)

رابرت انتمن، کاربرد چارچوب‌ها را در جلب توجه افراد به برخی عناصر و توجه نکردن به برخی عناصر دیگر می‌داند و چارچوب‌سازی را این‌گونه تعریف می‌کند: «انتخاب برخی جوانب یک واقعیت و پررنگ کردن آن در یک متن ارتباطی به روشی که از طریق آن تعریف، تفسیر کلی، ارزیابی اخلاقی یا راه‌حل‌های پیشنهادی یک مشکل خاص ارتقا یابند» (Entman, 1993: 52)

در قیاس با برجسته‌سازی باید گفت که برجسته‌سازی به موارد خبری می‌پردازد

1. Framing

در حالی که چارچوب‌سازی به چارچوب‌ها می‌پردازد. یعنی موارد متعددی را می‌توان در قالب یک چارچوب ارائه کرد و در مقابل هم یک رویداد می‌تواند در قالب چارچوب‌های متعددی مطرح شود. در تحقیقات چارچوب‌سازی این امکان وجود دارد که فرضیه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گیرند، مثلاً اینکه رسانه می‌تواند یک خبر برجسته‌سازی شده را در چارچوب‌های متضاد ارائه کند یا اینکه چگونه یک چارچوب به چارچوب غالب تبدیل می‌شود و در نهایت برای پوشش رویدادهای متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما این جوانب در تحقیقات برجسته‌سازی در نظر گرفته نمی‌شود (Van Grop, 2007: 69-70)

نظریهٔ انگاره‌سازی^۱

انگاره را می‌توان به‌مثابه سازه‌ای دانست که مضمون آن به خودی خود مجموعه‌ای از تصاویری است که از جنبه‌های گوناگون واقعیت در ذهن فرد وجود دارد. انگاره یا تصویر از سه قسمت تشکیل شده است: احساس‌ها، ادراک و آگاهی و عملکرد. در بعد احساسی یا ارزشی، دوست داشتن یا دوست نداشتن یک موضوع یا شیئی مدنظر است و اغلب با موافقت یا عدم‌موافقت ادراکی سروکار دارد. بعد ادراکی یا آگاهی یک انگاره، دانش ما از طبیعت همیشگی یا موقتی موضوع موردنظر است و خصایص مستقل آن را بیان می‌کند. اما بعد عملکردی یک انگاره، با جنبه‌های رفتاری فرد، چگونگی برخورد با موضوع موردنظر و کلیهٔ ترکیب‌ها و مشخصه‌های آن سروکار دارد (مولانا، ۱۳۸۰: ۱۶).

برخی از تکنیک‌های مهم انگاره‌سازی از دید مایکل پارتنتی چنین است:

پوشش خبری رویدادهای دو کشور... ❖ ۱۲۷

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲
تکنیک برچسب‌زدن^۱: یکی از راه‌های برخورد روانی رسانه‌ها با موضوع‌ها و شخصیت‌ها، برچسب‌زنی می‌باشد که از این طریق یک حوزه معنایی منفی و مثبت ایجاد می‌کنند.

انتقال و محاوره صوری: اغلب مخاطبان، این را پذیرفته‌اند که رسانه‌ها فقط عینی‌گرایی می‌کنند و به بازتاب رویدادها می‌پردازند، در حالی که واقعیت امر آن است که به نام خبر، نظر می‌فروشند. به اعتقاد پارنتی افسانه عینی‌گرایی را نباید زیاد جدی گرفت.

توازن دروغین: رسانه‌ها اصرار دارند که متوازن نشان دهند، حال آنکه توازن معنایی وجود ندارد و اکثر توازن‌ها، صوری است.

چرایی: در پوشش رسانه‌ای از نوع انگاره‌سازانه، علل و چرایی رویدادها ارائه نمی‌شود و مخاطبان هیچگاه در نمی‌یابند که چرا این رویدادها اتفاق افتاده است. چراکه تلاش می‌شود تا به علت واقعی پدیده پی برده نشود.

حذف حقایق: یکی از رایج‌ترین کارهایی که رسانه‌ها در سازوکارهای انگاره‌سازانه انجام می‌دهند، سرکوب افکار از طریق حذف حقایق است؛ گاه در هنگام حکایت رویداد، بخشی از آن را حذف می‌کنند و گاه کل آن را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند.

حمله کن و هدف را تخریب کن: در بسیاری از موارد اگر تکنیک حذف جواب ندهد رسانه‌ها به سوژه حمله می‌کنند.

تحت‌الشعاع قرار دادن محتوا یا تنزل رسانه‌ای: رسانه‌ها، موضوع‌ها را به یک سطح غیرواقعی و خفیف تنزل می‌دهند (ثابت‌سعیدی، ۱۳۸۷: ۵۴ - ۵۳).

مرور تاریخی

تاریخچه شبکه العالم

شبکه العالم، شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته خبری به زبان عربی است که برنامه‌های خود را روزانه در ۳۶ بخش کوتاه و مشروح خبری همراه با تحلیل و گزارش به مخاطبان خود عرضه می‌کند. این شبکه دارای چهار دفتر رسمی (تهران، بیروت، بغداد و دمشق)، چند دفتر غیررسمی و حدوداً ۵۰ خبرنگار در بیش از ۴۰ نقطه جهان است (العالم، ۱۳۹۰).

سایت فارسی العالم (۱۳۹۰) در توضیح اهداف این شبکه می‌گوید:

شبکه بین‌المللی العالم در فوریه ۲۰۰۳ میلادی هم‌زمان با تجاوز نیروهای آمریکایی و انگلیسی به کشور عراق فعالیت خبری خود را به زبان عربی با شعار سرعت، صحت و دقت با اهداف ذیل آغاز نمود:
- اطلاع‌رسانی سریع و شفاف از رویدادها و تحولات سیاسی جهان و منطقه؛

- بررسی ریشه‌های تاریخی مشکلات مسلمانان و راه‌های برون‌رفت از آن؛
- گسترش روح همدلی نسبت به هویت فرهنگی واحد، آرمان‌ها و مصالح مشترک مردم منطقه؛

- اتخاذ سیاست رسانه‌ای فعال در برابر جریان‌های یک‌سویه امپریالیسم خبری غرب.

سایت شبکه العالم نیز با هدف تقویت اطلاع‌رسانی، توسعه حوزه نفوذ و دسترسی هر چه بیشتر مخاطبان عرب و غیرعرب در آبان ۱۳۸۲ تأسیس و راه‌اندازی گردید. این وب‌سایت امکان دسترسی به آخرین و مهم‌ترین رویدادهای خبری دنیا را به زبان‌های فارسی و عربی برای مخاطبان امکان‌پذیر ساخته و کاربران می‌توانند با مراجعه به سایت، به برنامه‌های

شبکه، سرویس‌های خبری، گزارش‌های تحلیلی و اطلاعات سیاسی،
تاریخی و جغرافیایی دسترسی داشته باشند.

تاریخچه کشور بحرین

بحرین رسماً یک حکومت پادشاهی مشروطه است و پادشاه نیز به‌طور موروثی از خاندان آل خلیفه انتخاب می‌شود. پادشاه کنونی کشور، حمد بن عیسی آل خلیفه است که از سال ۱۹۹۹ قدرت را در دست دارد. در این کشور تمام سمت‌های مهم سیاسی و نظامی به خانواده سلطنتی که از اعراب سنی هستند تعلق دارد. بحرین، به دلیل وجود ناوگان پنجم آمریکا در آب‌های این کشور، یکی از متحدان استراتژیک و مهم آمریکا در منطقه محسوب می‌شود. از زمانی که مجمع ملی منتخب در سال ۱۹۷۵ منحل شد و این کشور به حکمرانی اقتدارگرایانه پیشین خود بازگشت، بحرین شاهد اعتراض‌های فزاینده‌ای از سوی شیعیان کشور بوده که بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

با آغاز جنبش‌های مردمی منطقه و سرایت اعتراض‌ها به بحرین در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، رابطه رسمی ایران و بحرین که به دلیل اختلاف‌های سیاسی - مذهبی طرفین چندان مطلوب نبود، بیش از پیش رو به تیرگی نهاد و با اعزام هزار و ۵۰۰ نیروی نظامی عربستان و امارات به بحرین برای سرکوب مخالفان حکومت در ۱۵ مارس همان سال، این اختلاف‌ها به اوج خود رسید (Wikipedia- a).

از آن تاریخ، اعتراض‌های مردم بحرین با شدت و ضعف همچنان ادامه یافته و ایران نیز اگرچه دخالت در حوادث داخلی بحرین و حمایت مالی - نظامی از معترضان را مردود دانسته و آن را بهانه حکومت بحرین برای سرکوب اعتراض‌های مردمی توصیف کرده، اما هیچگاه از حمایت معنوی معترضان و محکوم کردن سرکوب‌های دولتی دست نکشیده است (پورطالب، بی تا: ۱۵).

تاریخچه کشور سوریه

سوریه در سال ۱۹۴۶ استقلال خود را از فرانسه به دست آورد که از سال ۱۹۲۰، این کشور را تحت کنترل خود داشت. در سال ۱۹۶۳، حزب پان عرب بعث، قدرت را در دست گرفت و نزدیک به چهار دهه در کشور وضعیت اضطراری حاکم شد. در سال ۱۹۷۱، حافظ اسد، رهبر حزب بعث، قدرت را در سوریه به دست گرفت و تا زمان مرگش در سال ۲۰۰۰ که قدرت به پسرش بشار اسد واگذار شد، با سیاست‌های اقتدارگرایانه بر کشور حکومت کرد. در جریان جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، متعاقب حمایت او از نیروهای ائتلاف بر ضد عراق، کمک‌های فراوانی به سوریه سرازیر شد (Geographica, 2004: 181).

ساختار حکومتی کشور سوریه به گونه‌ای است که به حزب بعث امکان می‌دهد تا نفوذ زیادی در اداره امور کشور داشته باشد. پایه‌های قدرت این حزب را نظامیان تشکیل می‌دهند. از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ که اعتراض‌ها به نظام حاکم در سوریه تحت تأثیر تحول‌های سیاسی خاورمیانه آغاز شد، این کشور شاهد یکی از خون‌بارترین و شدیدترین اعتراض‌ها و درگیری‌ها در جریان تحول‌های بیداری اسلامی، علی‌الخصوص در شهرهای حمص، درعا، ادلب، حماه و حلب بوده است (بی‌بی‌سی، ۱۳۹۰). ایران نیز که به خصوص از زمان جنگ با عراق، متحد استراتژیک سوریه محسوب می‌شود، در این مدت بیشتر در کنار دولت سوریه ایستاده و از آن به‌عنوان محور مقاومت در برابر اسرائیل حمایت کرده است. اگرچه مخالفان حکومت سوریه بارها ایران را به دخالت مستقیم در درگیری‌ها متهم کرده‌اند، ایران همواره ادعای دخالت نظامی مستقیم را انکار کرده است (Wikipedia- b).

پیشینه

با توجه به حجم زیاد تحقیقاتی که پوشش خبری رسانه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند، در اینجا تنها به ذکر برخی از نمونه‌های داخلی و خارجی این پژوهش‌ها می‌پردازیم: شهرزاد ثابت‌سعیدی در سال ۱۳۸۷، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود را به «تحلیل محتوای اخبار مربوط به دستگیری ملوانان انگلیسی از سوی ایران در چهار شبکه «العالم»، «سی ان ان»، «بی بی سی» و «شبکه یک» صدا و سیما» اختصاص داد. نتایج این تحقیق نشان می‌داد رسانه‌های ایران سعی در به تصویر کشیدن انگلیس به‌عنوان کشوری متجاوز، استعمارگر و خشونت‌طلب داشته‌اند و رسانه‌های غربی نیز سعی در ساختن تصویر کشوری خشونت‌طلب و ناقض قوانین بین‌المللی از ایران داشته‌اند. در این میان، العالم، تصاویر ملوانان را در حال خندیدن، ورزش و استراحت نشان می‌داد و بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان در حال اضطراب و ناراحتی. بر اساس این پژوهش، العالم کمترین جهت‌گیری را در میان چهار شبکه مورد بررسی داشته است (ثابت‌سعیدی، ۱۳۸۷).

علی احمدی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود به «مقایسه نحوه بازتاب اخبار فعالیت‌های هسته‌ای ایران در شش شبکه الجزیره، العربیه، بی‌بی‌سی، فاکس‌نیوز، سی‌ان‌ان و فرانس ۲۴» پرداخته است. نظریه‌های دروازه‌بانی، برجسته‌سازی و چارچوب‌سازی، مبانی نظری تحقیق وی را تشکیل می‌دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌داد شبکه الجزیره بیش از سایر شبکه‌ها برنامه هسته‌ای ایران را پوشش داده و از آن حمایت کرده، در حالی که العربیه چندان تمایلی به این برنامه نداشته است. فاکس‌نیوز در چارچوب سیاست‌های ضدایرانی در قبال موضوع هسته‌ای ایران عمل کرده و شبکه فرانس ۲۴ هم بیشتر، منطقه‌ای عمل و اهداف کشور متبوع خود، فرانسه، را دنبال کرده است. همچنین در مجموع بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان حرفه‌ای‌تر از

سایر شبکه‌ها عمل کرده‌اند و بی‌بی‌سی عینی‌گرایی بیشتر و سوگیری نسبتاً کمتری در مطالب خود داشته است (احمدی، ۱۳۸۸).

در پایان‌نامه مهدی قدیری به «مقایسه تطبیقی نحوه انعکاس اخبار جنگ عراق از تلویزیون ایران و اخبار خبرگزاری ایسنا» پرداخته شده که نتایج آن نشان می‌داد اخبار تلویزیون در خدمت انعکاس مصائب و مشکلات مردم عراق بوده و بیش از دو برابر ایسنا چنین خبرهایی را منتشر کرده است. تلویزیون اخباری را که دارای جهت‌گیری منفی نسبت به متحدان بود بیش از ایسنا منتشر کرده و خبرهایی را که می‌توانست در راستای جهت‌گیری منفی نسبت به نظامیان عراقی باشد کمتر از ایسنا پخش کرده است (قدیری، ۱۳۸۴).

فاطمه نصری‌زاده در تحقیق خود «برجسته‌سازی اخبار تلویزیون ایران (ساعت ۲۱ شبکه اول) و مقایسه آن با برخی روزنامه‌های تهران (اطلاعات، ایران، حیات نو، رسالت، کیهان و همشهری)» را هدف خویش قرار داد. نتایج بررسی وی نشان می‌داد که مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور مهم‌ترین منابع خبرساز در تیتراژ اول رسانه‌های مورد بررسی هستند و مسائل مربوط به قوه مجریه بیش از سایر مسائل در تیتراژ اول برجسته شده است. رسانه‌های مورد بررسی در مجموع تحت تأثیر اولویت‌های سیاسی قرار دارند؛ ولی مسائل برجسته‌شده در صفحه اول روزنامه‌های مورد بررسی با مسائل برجسته‌شده در اخبار تلویزیون مشابهت ندارد (ناصری‌زاده، ۱۳۸۱).

در سال ۱۹۹۱ پژوهشی توسط مرکز رسانه‌ای گانت در دانشگاه کلمبیا و نیویورک انجام گرفت که به «تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های مهم آمریکا در جنگ خلیج فارس» می‌پرداخت. در این تحقیق، سرمقاله‌های پنج روزنامه مهم آمریکا در هفت دوره زمانی مختلف در طول بحران (جنگ) مورد بررسی قرار گرفت و

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

نتایج آن نشان داد که در هر پنج روزنامه، محتوای سرمقاله‌ها در تمامی مقاطع همگام با تصمیم‌های سیاسی مهم رئیس‌جمهور بوش بوده و از اهداف آن حمایت کرده و با ارائه تصویری مطلوب از رویدادها و تحولات در طول بحران، افکار عمومی را برای پذیرش این تصمیم‌ها آماده کرده است (عیوض‌لو، ۱۳۸۳: ۵۷).
تحقیق دیگری در دانشگاه ویندسور کانادا با عنوان «موش‌ها و کاردینال‌ها: مطبوعات و سیاست کانادا در برابر خاورمیانه» صورت گرفت. در آن تحقیق ذکر شده بود که مطبوعات کانادا حتی اگر مطلبی علمی یا مذهبی درباره خاورمیانه منتشر کنند، به خوانندگان، تصویری منفی از طبیعت ذاتاً خشن خاورمیانه ارائه می‌شود. در این پژوهش که در دو دوره زمانی کاملاً متفاوت انجام گرفت، پنج روزنامه مهم کانادا مورد بررسی قرار گرفتند. این تحقیق نشان می‌داد که هماهنگی زیادی بین سیاست خارجی کانادا و نحوه انعکاس اخبار مربوط به خاورمیانه وجود دارد. به عبارت دیگر تصویری که از خاورمیانه ارائه می‌شود تابعی از سیاست خارجی کانادا است تا واقعیت (Burton & Keenleyside, 1991).

پرسش‌ها و فرضیه‌ها

پرسش‌های بخش کمی

۱. میزان و گستردگی پوشش خبری حوادث هر یک از دو کشور سوریه و

بحرین در سایت العالم در دوره مورد بررسی چقدر است؟

۲. جهت‌گیری سایت فارسی العالم نسبت به حکومت هر یک از دو کشور در

دوره مورد بررسی چگونه است؟

فرضیه‌های بخش کمی

۱. پوشش خبری حوادث بحرین، نسبت به حوادث سوریه در دوره مورد بررسی، بیشتر بوده است.
 ۲. پوشش خبری حکومت سوریه نسبت به حکومت بحرین در دوره مورد بررسی مثبت‌تر بوده است.
- این فرض‌ها با توجه به سیاست خارجی ایران در همسویی با نظام سوریه و اختلاف آن با نظام بحرین طرح شده است.

پرسش‌های بخش کیفی

۱. چه نوع واژگانی در مورد دو کشور بحرین و سوریه در دوره مورد بررسی به کار رفته است؟
۲. القا یا تلقین و تداعی در مورد دو کشور در دوره مورد بررسی چه وضعیتی دارد؟
۳. کلیشه‌های به کار رفته در مورد وضعیت دو کشور در دوره مورد بررسی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۴. چه پیش‌فرض‌هایی در مورد وقایع دو کشور در دوره مورد بررسی به کار رفته است؟
۵. چارچوب‌های به کار رفته در مورد وضعیت دو کشور در دوره مورد بررسی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۶. انگاره‌های به کار رفته در مورد وضعیت دو کشور در دوره مورد بررسی چه ویژگی‌هایی دارد؟

روش

در این نوشتار از روش ترکیبی استفاده شده که شامل تحلیل محتوای کمی و کیفی است.

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

تحلیل محتوا روشی است که از طریق آن می‌توان با مشخص کردن عینی و قاعده‌مند، ویژگی‌های خاص پیام‌ها را استخراج و نتیجه‌گیری کرد. روش تحلیل محتوا باید عینی و منتظم باشد و اگر قرار است از بازیافت اطلاعات، فهرست‌بندی یا اقدام‌های مشابه متمایز شود، باید پشتوانه‌ای نظری داشته باشد (هولستی، ۱۳۸۰: ۲۸).

در بخش کمی این بررسی، متغیرهای کشور و جهت‌گیری، کدگذاری و بر اساس آن، جداول یک‌بعدی و دوبعدی تهیه شد. در بخش کیفی نیز واژگان، القاه‌ها، پیش‌فرض‌ها، انگاره‌ها، چارچوب‌ها و کلیشه‌های به‌کار رفته در متن اخبار مربوط به هر کشور یادداشت شده و کیفیت حضور و محوریت آنها در معناسازی متن مورد بررسی قرار گرفت. برای نمونه‌گیری نیز با توجه به شدت و ضعف اعتراض‌ها در مقاطع زمانی متفاوت، یک نمونه‌ای یک‌ماهه از آن مقطع زمانی انتخاب شد که طی آن اعتراض‌ها در هر دو کشور بالنسبه فعال بود. لذا شیوه نمونه‌گیری، هدفمند از نوع روزهای متوالی است. بدین منظور کلیه اخبار سایت فارسی‌العالم که اعتراض‌ها در دو کشور بحرین و سوریه و رویدادهای مرتبط با آن را در یک مقطع زمانی یک‌ماهه، از ۲۵ شهریور تا ۲۴ مهر ۱۳۹۰ (۳۱ روز)، پوشش می‌داد بررسی شد. واحد تحلیل نیز «خبر» است.

شیوه کدگذاری

«جهت» خبر به سه زیر مقوله مثبت، منفی و خنثی تقسیم شد.

جهت‌گیری مثبت: جهت‌گیری خبری به‌عنوان مثبت کدگذاری می‌شود که تداعی‌کننده یک تأثیر مثبت راجع به موضوع باشد. اخبار مثبت معمولاً «عمل»‌ها را حمایت می‌کنند یا نقل‌قول‌هایی ذکر می‌کنند که در تأیید آن «عمل» باشند.

جهت گیری منفی: خبری که یک معنی منفی را نسبت به موضوعی برساند و در کل، موجب ایجاد نگرش منفی در خواننده شود، جهت گیری منفی دارد. اخبار منفی شامل توصیف‌های نامطلوب از عاملان ماجراها یا عمل آنها مثل محکوم کردن و نظایر اینهاست.

جهت گیری خنثی: نوع جهت گیری خبری که یک رویداد را نه به صورت مطلوب و نه به صورت نامطلوب به تصویر بکشد. خبر خنثی خبری است که دربارهٔ عاملان و عمل آنها قضاوت نمی‌کند (په و ملکوت، ۱۳۷۶: ۳۴).

لازم به ذکر است در بخش کمی، بر اساس تحلیل محتوای کمی که با محتوای آشکار سروکار دارد، اخباری که جهت گیری آشکار مثبت و منفی دارند به صورت مثبت یا منفی و اخبار فاقد جهت گیری آشکار به صورت خنثی کدگذاری می‌شوند. بر این اساس اخباری که ظاهراً خنثی هستند ولی جهت گیری پنهان دارند نیز به عنوان خبر خنثی کدگذاری می‌شوند. هرچند تعداد اخبار واقعاً خنثی و ظاهراً خنثی (دارای جهت گیری پنهان) به طور جداگانه ذکر خواهد شد.

ضمناً در این نوشتار تنها عنوان «جهت گیری مثبت/ منفی نسبت به حکومت» در مورد جهت گیری اخبار، به کار رفته، چراکه اخباری که جهت گیری منفی نسبت به معترضان یکی از دو کشور داشتند، واجد جهت گیری مثبت نسبت به حکومت آن کشور بودند و بالعکس.

بررسی یافته‌ها

بخش کمی

جدول ۱. توزیع فراوانی اخبار مربوط به هر کشور

کشور	فراوانی	درصد
بحرین	۲۵۴	۷۷/۷
سوریه	۷۳	۲۲/۳
جمع	۳۲۷	۱۰۰/۰

جدول ۲. رابطه بین کشور و نوع جهت‌گیری به کار رفته

جمع	کشور		جهت‌گیری	
	سوریه	بحرین		
۲۴۵	۰	۲۴۵	تعداد	منفی نسبت به حکومت
۱۰۰	۰	۱۰۰	درصد سطری	
۷۴/۹	۰	۹۶/۵	درصد ستونی	
۱۵	۶	۹	تعداد	خنثی
۱۰۰	۴۰	۶۰	درصد سطری	
۴/۶	۸/۲	۳/۵	درصد ستونی	
۶۷	۶۷	۰	تعداد	مثبت نسبت به حکومت
۱۰۰	۱۰۰	۰	درصد سطری	
۲۰/۵	۹۱/۸	۰	درصد ستونی	
۳۲۷	۷۳	۲۵۴	تعداد	جمع
۱۰۰	۲۲/۳	۷۷/۷	درصد سطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	

$X^2=306/239$ $df=2$ $sig=0/000$ Cells with E.F. $< 5=1$ (۱/۱۶۷) Cramer's V= ۰/۹۶۸

با توجه به کای اسکوئر محاسبه شده به میزان ۳۰۶/۲۳۹ در درجه آزادی ۲، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان قضاوت کرد که بین کشور و نوع جهت‌گیری به کار رفته رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی V کرامر نیز برابر است با ۰/۹۶۸ و این نشان می‌دهد شدت همبستگی بسیار قوی است.

با توجه به جداول (۱) و (۲):

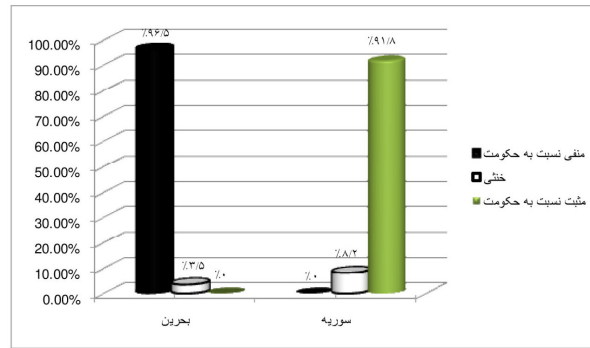
- از مجموع ۳۲۷ خبر، ۲۵۴ خبر (۷۷/۷ درصد) مربوط به بحرین است و ۷۳ خبر (۲۲/۳ درصد) به سوریه اختصاص دارد.
- از میان ۲۵۴ خبر مربوط به بحرین، ۲۴۵ خبر (۹۶/۵ درصد) دارای جهت‌گیری منفی نسبت به حکومت و ۹ خبر (۳/۵ درصد) نیز خنثی هستند. ضمناً هیچ خبری دارای جهت‌گیری مثبت نسبت به حکومت بحرین نیست.

- از میان ۷۳ خبر مربوط به سوریه، ۶۷ خبر (۹۱/۸ درصد) دارای جهت گیری مثبت نسبت به حکومت و ۶ خبر (۸/۲ درصد) نیز خنثی هستند. ضمناً هیچ خبری دارای جهت گیری منفی نسبت به حکومت سوریه نیست.

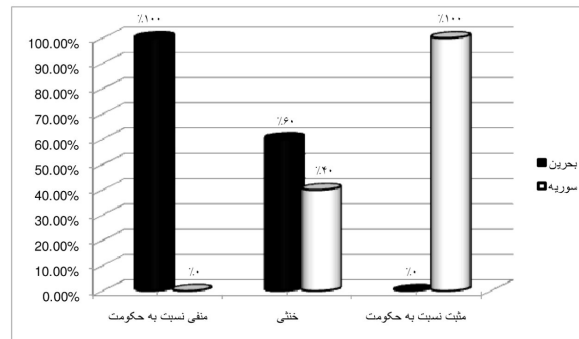
- از مجموع ۲۴۵ خبری که جهت گیری منفی نسبت به حکومت دارند، ۱۰۰ درصد آنها درباره حکومت بحرین و از ۶۷ خبری که جهت گیری مثبت نسبت به حکومت دارند، ۱۰۰ درصد آنها درباره حکومت سوریه هستند.

- از مجموع ۱۵ خبر خنثی، ۹ خبر (۶۰ درصد) آن مربوط به بحرین و ۶ خبر (۴۰ درصد) مربوط به سوریه هستند. در عین حال باید گفت از ۹ خبر خنثی درباره بحرین، ۷ خبر ظاهراً خنثی (فاقد جهت گیری آشکار) بوده اما جهت گیری منفی پنهان دارند (یعنی به صورت ضمنی نگرشی منفی نسبت به حکومت بحرین القا می کنند) و ۲ خبر نیز واقعاً خنثی هستند. همچنین از ۶ خبر خنثی درباره سوریه، ۴ خبر ظاهراً خنثی بوده ولی جهت گیری مثبت پنهان دارند (یعنی به صورت ضمنی از حکومت سوریه حمایت می کنند) و ۲ خبر نیز واقعاً خنثی هستند.

لذا فرضیه اول و دوم تأیید می شود. چراکه بر اساس داده های جدول (۲)، حوادث بحرین به طور معناداری پوشش خبری بیشتری نسبت به حوادث سوریه گرفته است. همچنین حکومت سوریه به طور معناداری پوشش خبری مثبت تری نسبت به حکومت بحرین گرفته است.



نمودار ۱. نوع جهت‌گیری به‌کار رفته در اخبار مربوط به هر کشور



نمودار ۲. نسبت هر کشور در نوع جهت‌گیری به‌کار رفته

پوشش خبری سایت فارسی‌العالم در مورد حوادث بحرین و سوریه با استفاده از نظریه برجسته‌سازی نیز قابل تحلیل است. بنابر آنچه در مبانی نظری گفته شد، تکرار موضوع و در دسترس بودن آن از لوازم برجسته‌سازی است و هر چه یک حادثه بیشتر در رسانه‌ها تکرار شود در اولویت بالاتری در ذهن افراد قرار خواهند گرفت.

بر اساس جدول (۱)، فراوانی اخبار بحرین حدوداً ۳/۵ برابر اخبار سوریه است. بدین ترتیب موضوع رویدادها و اعتراض‌های بحرین به مراتب بیشتر از اعتراض‌های سوریه، پوشش خبری گرفته و تکرار شده است. همچنین اخبار مربوط به بحرین در سایت‌العالم، به‌طور جداگانه و خاص در بخش بحرین، ذیل عنوان بیداری اسلامی در

دسترس است و بخش مجزایی هم در قسمت ویدئوها به بحرین اختصاص داده شده، درحالی که بخش مجزایی برای اخبار یا ویدئوهای سوریه اختصاص نیافته است. در نتیجه اخبار بحرین بیشتر جلب توجه می کند و دسترسی به آن نیز راحت تر است. بنابراین می توان گفت برجسته سازی رویدادهای بحرین بیشتر از رویدادهای سوریه بوده و العالم سعی در اولویت بخشیدن به حوادث بحرین و مهم تر جلوه دادن آنها در ذهن مخاطبان داشته است.

بخش کیفی واژگان

بررسی اخبار العالم نشان می دهد واژگان مثبت و منفی متفاوتی برای پوشش خبری رویدادهای دو کشور، چه در مورد حکومت ها و چه در مورد مخالفان، به کار رفته است. چنانچه به اخبار اعتراض های دو کشور بنگریم، می بینیم العالم در مورد معترضان و مخالفان سوری عموماً واژگان منفی (سیاه) به کار برده و در مورد معترضان بحرینی از واژگان مثبت (سفید) استفاده کرده است. برای نمونه درحالی که مخالفان نظام بحرین، «مبارز»، «انقلابی» و «آزادی خواه» معرفی شده اند، مخالفان سوری، «مزدور» خوانده شده اند. از مخالفت ها و اعتراض های بحرین با تعبیر «دفاع مقدس» یاد شده، در صورتی که مخالفت های سوریه «حمله» و «ترور» خوانده شده است. در عین حال از مخالفان کشته شده بحرینی با عنوان «شهید» یاد شده، در صورتی که چنانچه از مخالفان کشته شده سوری نامی هم برده شده، تحت عنوان «تلفات» یا «کشته های» درگیری های مسلحانه بوده که این تعبیر فاقد بار ارزشی مثبت واژه «شهید» هستند. واژگان مثبت و منفی به ترتیب درباره حکومت های سوریه و بحرین نیز به کار رفته

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

است. برای مثال برخورد حکومت سوریه با مخالفان، «مقابله» با گروه‌های مسلح و برخورد حکومت بحرین با مخالفانش، «سرکوب» و «جنایت» خوانده شده است. مسئولان سوری، «صلح‌جو» و سران حکومت بحرین در پی «انتقام» معرفی شده‌اند. همچنین از تعبیر «نظام» برای توصیف سیستم حکومتی سوریه و از تعبیر «رژیم» برای توصیف سیستم حکومتی بحرین استفاده شده که تعبیر «رژیم» در قیاس با «نظام» نوعی معنای منفی را در دل خود دارد.

دلالت‌های ضمنی (تلقین و تداعی)

در پوشش خبری العالم، تلقین‌ها و تداعی‌های متفاوتی در مورد رویدادهای بحرین و سوریه دیده می‌شود و به نظر می‌رسد این سایت درصدد است ذهنیتی خاص و متفاوت از حوادث هر یک از دو کشور در مخاطبان خود ایجاد کند. اولین تفاوت در نحوه القای خواست و اراده دو ملت نهفته است. در مورد بحرین این چنین به مخاطب تلقین می‌شود که مردم بحرین مخالف رژیم سیاسی کنونی و خواستار سرنگونی آن هستند و استبداد رژیم آل خلیفه مغایر با خواست و اراده ملت و ریشه مشکلات آنان است. العالم با عناوینی نظیر «شکستن اراده مردم، دستور کار آل خلیفه»، «انتقام آل خلیفه از مردم بحرین»، «اتمام حجت مردم بحرین با آل خلیفه» و «دست رد مردم بحرین به آل خلیفه»، چنین القا می‌کند که رژیم آل خلیفه در مقابل خواست و اراده ملت بحرین ایستاده اما در مورد سوریه ماجرا برعکس است، یعنی این‌طور القا می‌شود که خواست و اراده ملت سوریه بقای نظام حاکم است. این مخالفان هستند که با اجرای سیاست‌های آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای غربی و عربی، خواست ملت سوریه که مقاومت در برابر کشورهای غربی و مقابله با دخالت‌های بیگانگان در امور سوریه است را زیر پا می‌گذارند.

بدین ترتیب با تیرهایی مانند «توطئه اعراب و غرب علیه نظام سوریه»، «غلبه مردم سوریه بر توطئه‌ها»، «مردم سوریه حق دارند مانع دخالت‌های آمریکا شوند»، «مخالفت سوری‌ها با دخالت‌های بیگانگان» و «اعتراض سوری‌ها به نشست مخالفان در استانبول»، چنین تداعی می‌شود که مخالفان سوریه و اعتراض‌های آنها مغایر با خواست و اراده ملت سوریه است.

تفاوت دیگر شامل تلقین بحرانی بودن و از کنترل خارج شدن اوضاع در بحرین و در مقابل، آرام شدن و تحت کنترل بودن اوضاع در سوریه است. تیرها و اخباری چون «خیابان‌های منامه در کنترل مردم بحرین»، «فلج شدن کامل حرکت خودروها»، «اقتصاد بحرین فلج شده است» و «ناتوانی آل‌خلیفه در مهار اعتراض‌های مردم»، همگی مبین القای حس بی‌نظمی و بی‌ثباتی و تداعی‌کننده بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. در مقابل اگرچه در پوشش حوادث سوریه به ناامنی (که البته از دید العالم محصول اعتراض‌هاست) اشاره شده، اما در مجموع، اخبار این سایت از تسلط و کنترل حکومت سوریه بر اوضاع و حرکت در جهت آرام‌تر شدن فضا، علی‌رغم تمامی توطئه‌ها حکایت دارد. «حاضر شدن بیش از ۵ میلیون دانش‌آموز در کلاس‌های درس»، آن هم پس از «برخی آشوب‌ها و ناآرامی‌ها علیه نظام و حمله گروه‌های مسلح به مردم»، به‌طور ضمنی به آرام‌تر شدن و تحت کنترل درآمدن فضا اشاره دارد. تیرهایی مثل «شکست نقشه دخالت نظامی غرب در سوریه» و «تحریم‌ها، اعتماد به نفس سوریه را افزایش داد» نیز نشان بارزی از تلاش برای مساعد نشان دادن شرایط و القای ثبات و اقتدار نظام حاکم به مخاطبان است.

کلیشه‌سازی

کلیشه‌سازی که العالم در مورد حوادث بحرین و سوریه به‌کار برده بر اساس دیدگاه‌های مذهبی است. برای مثال در پوشش اخبار بحرین مسائلی نظیر: وهابی‌مسلمک

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲
بودن برخی مسئولان و حامیان رژیم، اقدام‌های وهابیون بر ضد انقلابیون بحرینی و تلاش آل‌خلیفه برای برهم زدن نسبت مذاهب در میان مردم و در برخی نهادها دیده می‌شود. در واقع حکومت بحرین به‌عنوان یک حکومت ضدشیعه و مورد حمایت وهابیون در دایره «دیگری» و «غیرقابل پذیرش» گنجانده می‌شود و مخالفان آن نیز که عمدتاً شیعه بوده و با وهابیون در حال مبارزه‌اند در دایره «ما» و «قابل قبول» قرار می‌گیرند. عناوینی چون «وهابیان خارجی جایگزین معلمان شیعه بحرینی» و «شیعیان بحرین هدف سیاست‌های آل‌خلیفه» مؤید همین مطلب هستند.

در مقابل، برخی اخبار مربوط به سوریه در سایت العالم، مخالفان سوری را سلفی‌های تندرو نشان می‌دهد که هدفشان مقابله فرقه‌ای و مذهبی با شیعیان و علوی‌های سوریه است و با این هدف در برابر حکومت سوریه صف‌آرایی کرده‌اند. بدین ترتیب مخالفان سوری به‌عنوان سلفی‌های تندرو، «دیگری» و «غیرقابل پذیرش» تلقی می‌شوند و حکومت سوریه که در دست یک خاندان علوی‌مذهب (نزدیک به شیعه) است، از آنجا که با خطر سلفی‌ها مقابله می‌کند، در دایره «ما» و «قابل قبول» جای می‌گیرد.

پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض اولی که العالم در پوشش اخبار دو کشور به کار برده، مشروعیت نظام سیاسی سوریه و عدم مشروعیت نظام سیاسی بحرین است. تأثیر این پیش‌فرض در نحوه جهت‌دهی به اخبار العالم مشهود است. مثلاً در مورد بحرین اخبار به‌گونه‌ای روایت می‌شوند که حاکی از تضعیف موقعیت بین‌المللی حکومت، از بین رفتن کارکرد نهادهای حکومتی، فقدان پایگاه مردمی و بی‌آبرو شدن حکومت باشند. تیتراهایی چون «انزوای بین‌المللی رژیم بحرین»، «نه بزرگ مردم بحرین به صندوق

خالی آل خلیفه»، «رسوایی آل خلیفه پس از تحریم انتخابات»، «انتخابات واقعی در بحرین برگزار نشد»، «آمار واقعی انتخابات بحرین و رسوایی آل خلیفه»، «پارلمان بحرین فاقد اختیار است»، «مجلس بحرین نماینده مردم نیست»، «حکومت مردمی تنها خواسته مردم بحرین» و «رژیم بحرین مشروعیت خود را از دست داده است»، همگی به نوعی نشان‌دهنده این نکته‌اند که العالم، اخبار خود را با پیش‌فرض از بین رفتن مشروعیت داخلی و خارجی حکومت بحرین تنظیم می‌کند.

از سوی دیگر بخش قابل توجهی از اخبار العالم به مسائلی مانند حمایت‌های مردمی از بشار اسد و همین‌طور مقاومت نظام سوریه در برابر بیگانگان، مخالفت آنها با مداخله نیروهای خارجی، حرکت سوریه در مسیر اصلاحات سیاسی از طریق بازنگری در قانون اساسی و برگزاری انتخابات، گشوده شدن افق‌های جدید در برابر مردم سوریه در نتیجه اصلاحات و ایستادگی مردم در برابر تحریم‌ها اختصاص دارد. این خبرها به نوعی محبوبیت مردمی حکومت، موقعیت مناسب آن و کارکرد مثبت و رو به جلوی نهادهای حکومتی سوریه را می‌رسانند و در مجموع نشان می‌دهند العالم با پیش‌فرض مشروعیت نظام سیاسی سوریه به سراغ رویدادهای این کشور می‌رود.

پیش‌فرض دیگری که العالم دارد و بی‌ارتباط با پیش‌فرض اول هم نیست، پیش‌فرض تفاوت جنبش اعتراضی سوریه با اعتراض‌های بحرین و به‌طور کلی سایر جنبش‌های منطقه است. در قسمت بیداری اسلامی سایت العالم، بخش بحرین به همراه بخش‌های لیبی، مصر، تونس، یمن و حتی عربستان دیده می‌شود، اما نام سوریه گنجانده نشده است. علاوه بر این، در اخبار بحرین تأکید زیادی بر بیداری اسلامی و ماهیت اسلامی جنبش بحرین دیده می‌شود، درحالی‌که بازنمایی اعتراض‌های سوریه فاقد این ویژگی است. برخلاف «بیداری اسلامی مردم بحرین»،

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

العالم اعتراض‌های سوری‌ها را یا اساساً فاقد بار اسلامی ترسیم می‌کند یا با سلفی خواندن مخالفان، حرکت آنها را افراطی و ناموجه جلوه می‌دهد که این امر مبین وجود پیش‌فرض متفاوت بودن اعتراض‌های سوریه نسبت به اعتراض‌های بحرین و به‌طور کلی بیداری اسلامی منطقه است.

چارچوب‌سازی

یکی از چارچوب‌هایی که العالم به وسیله آن رویدادهای دو کشور را بازنمایی کرده، چارچوب ضدصهیونیستی، ضدآمریکایی و ضدغربی است. العالم حکومت بحرین را حکومتی فاسد، وابسته به غرب و مجری سیاست‌های آمریکا و صهیونیسم قلمداد می‌کند و بنابراین مردم بحرین را که مقابل چنین نظامی ایستاده‌اند به‌عنوان یک ملت مبارز، آزادی‌خواه و حق‌طلب که بر ضد منافع غرب، آمریکا و اسرائیل عمل می‌کنند می‌ستاید. تیتروهای نظیر «آمریکا و انگلیس شریک جنایت‌های آل‌خلیفه»، «انگلیس در خدمت سرکوبگری رژیم بحرین» و «شبهات تحولات بحرین با اشغال فلسطین» مؤید بازنمایی رویدادهای بحرین در چارچوب ضدغربی، ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی است؛ اما همین چارچوب در اخبار مربوط به سوریه بر ضد معترضان به کار می‌رود؛ به این معنا که نظام سوریه از آنجا که حکومتی مبارز و مخالف سیاست‌های آمریکا و غرب است، مورد توطئه بیگانگان قرار گرفته که قصد تضعیف محور مقاومت منطقه را با سرنگونی نظام سوریه دارند. بدین ترتیب اخباری نظیر «دخالت آمریکا در حوادث سوریه»، «ائتلاف ترکیه، اسرائیل و آمریکا علیه سوریه»، «مخالفان سوریه در فرانسه به رهبری صهیونیست‌ها» و «حمایت مردم سوریه از مقاومت»، اعتراض‌های مخالفان سوری را برآمده از توطئه آمریکا، کشورهای اروپایی و صهیونیسم برای ضربه زدن به مقاومت سوریه در برابر منافع آنان ترسیم می‌کند.

در عین حال العالم در پوشش اعتراض‌های دو کشور، از چارچوب اقدام‌های مسلحانه خشونت‌بار یک عده در سوریه در مقابل چارچوب تظاهرات مسالمت‌آمیز و مقاومت مدنی مردم بحرین استفاده می‌کند. لذا تعابیری چون «کشته شدن نیروهای امنیتی به دست افراد مسلح» و «آمریکا مشوق خشونت در سوریه» را در توصیف اعتراض‌های سوریه و «اعتراض‌های مسالمت‌آمیز» را در توصیف اعتراض‌های بحرین به کار می‌برد.

چارچوب (قاب) دیگری که به منظور پوشش وقایع دو کشور به کار رفته، چارچوب انقلاب در بحرین در برابر چارچوب اصلاحات در سوریه است. العالم اینگونه به حوادث بحرین می‌نگرد که تنها راه نجات ملت بحرین از چنگال استبداد آل‌خلیفه، مبارزه تا سرنگونی کامل رژیم بحرین و انقلاب است و دیگر امیدی به اصلاح نظام نیست. تیتراها و مطالبی نظیر «انقلاب مردم بحرین هرگز متوقف نمی‌شود»، «عمق جنایت در بحرین سد راه اصلاح نظام است»، «ورود انقلاب بحرین به مرحله دفاع مقدس»، «ادامه قیام بحرین تا تحقق اهداف انقلاب» و «حرکت‌های زنجیره‌ای برای سرنگونی رژیم بحرین» این نگاه العالم را می‌رساند. این سایت حتی سرنگونی رژیم آل‌خلیفه را سرنوشتی محتوم می‌خواند؛ اما در مقابل «گفتگو» و «مذاکره» را تنها راه حل سوریه می‌خواند و معتقد است باید به اصلاحات در دست اجرا توسط بشار اسد اعتماد کرد. حتی در تحلیلی که مسئول دفتر سوریه شبکه العالم ارائه می‌کند، می‌گوید بازنگری صورت گرفته در قانون اساسی بسیار فراتر از خواست مخالفان نظام سوریه است. بدین ترتیب تنها راه حل وضعیت فعلی سوریه را در چارچوب اصلاحاتی که حکومت سوریه مدعی اجرای آنهاست، به مخاطبان خود عرضه می‌کند.

انگاره‌سازی

بر اساس آنچه در مبانی نظری گفته شد، چنانچه انگاره را سازه‌ای بدانیم که

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

مضمون آن مجموعه‌ای از تصاویر از جنبه‌های گوناگون واقعیت در ذهن فرد است، انگاره‌ای که از حکومت بحرین ارائه می‌شود مبتنی بر تصویر آن به‌عنوان رژیم جنایتکار، استبدادی، متجاوز، وابسته به بیگانگان، غیرانسانی و فاقد پایگاه مردمی است. العالم برای ترسیم چنین انگاره‌ای، از گزاره‌ها و صفات منفی متفاوتی برای توصیف حکومت بحرین و اقدام‌های آن استفاده می‌کند. مثلاً از عبارتهایی نظیر «بحرین تشنه آزادی»، «جنایات آل خلیفه»، «حملات وحشیانه رژیم»، «اعمال خشونت، شکنجه و تجاوز علیه معترضان»، «یورش نیروهای نظامی»، «ارعاب معترضان»، «وحشت مردم از شدت سرکوب‌ها» و «مجازات دسته‌جمعی مردم» برای تصویر عملکرد حکومت بحرین استفاده می‌شود.

در مقابل، انگاره‌سازی سایت العالم از حکومت سوریه و عملکرد آن در جریان اعتراض‌های اخیر مبتنی بر تصویر آن به‌عنوان نظام و حکومتی مورد حمایت مردم، در پی اصلاحات، مستقل، مقاوم و ضدامپریالیستی است. بدین منظور بر «نظواهرات گسترده مردم در حمایت از بشار اسد»، «اعتراض مردم به دخالت آمریکا و اروپا»، «جدی بودن تحقق اصلاحات در سوریه»، «موقعیت نظام سوریه به‌عنوان یکی از محورهای مقاومت منطقه در مقابل آمریکا و اسرائیل و غرب» و نظایر آن تأکید می‌شود.

از سوی دیگر، انگاره‌سازی العالم از اعتراض‌های بحرین مبتنی بر تصویر این مخالفت‌ها و اعتراض‌ها به‌عنوان جنبش و نهضتی اسلامی، پویا، حق‌طلبانه، مظلوم و گسترده است. لذا از عبارتهایی مانند «خروش بحرینی‌ها»، «طوفان مردم»، «خیزش عمومی برای انقلاب»، «ورود انقلابیون به مرحله دفاع مقدس»، «مظلوم‌ترین انقلاب عربی» و «قربانی شدن مردم» برای ترسیم تصویر اعتراض‌های مخالفان بحرینی استفاده می‌شود. در مقابل، انگاره‌ای که از اعتراض‌های سوریه ترسیم می‌شود مبتنی بر تصویر آن به‌عنوان

حرکتی مسلحانه، تروریستی، در جهت برهم زدن نظم عمومی، غیرگسترده و پراکنده بودن، وابسته و برآمده از توطئه بیگانگان است. لذا از تعبیر و گزاره‌هایی نظیر «عربستان و ترکیه، مرکز ایجاد ناآرامی‌ها»، «دخالت آمریکا در حوادث سوریه»، «شورای مخالفان، سکویی برای حمله به سوریه»، «شورای مخالفان سوریه، مزدوران آمریکا»، «حمله گروه‌های مسلح به مردم» و «حمله‌های تروریستی گروهک‌های مسلح» برای توصیف اعتراض‌ها و مخالفان سوری استفاده می‌شود.

همچنین العالم در تصویر حوادث بحرین، بر حمله، ضرب و شتم و کشتار زنان و همینطور جوانان و نوجوانان در بحرین تأکید زیادی می‌کند، مثلاً شهادت یک جوان ۱۶ ساله در بحرین از پوشش مفصلی برخوردار شد؛ اما در مورد سوریه، شرایط به گونه‌ای ترسیم می‌شود که این مخالفان هستند که با ترور و اقدام‌های مسلحانه، خشونت و ناامنی را گسترش می‌دهند.

مسئله دیگر، در تفاوت تصویری که از نقش کشورهای دیگر و خارجی‌ها در بحرین و سوریه بازنمایی می‌شود نهفته است. العالم موضع ایران و برخی چهره‌های خارجی نظیر مقتدی صدر و حتی برخی NGOها و سازمان‌های بین‌المللی را در حمایت از جنبش مردمی بحرین و محکوم کردن سرکوب معترضان می‌ستاید و در مقابل، غرب را به دلیل عدم حمایت کافی از جنبش بحرین مورد انتقاد قرار می‌دهد. این سایت، آمریکا و عربستان را به اتهام حمایت از نظام سرکوبگر بحرین شدیداً زیر سؤال می‌برد و از مواضع دوگانه آنان انتقاد می‌کند. حتی آمریکا را مسئول سرکوب مردم بحرین می‌خواند، در مقابل، حمایت برخی کشورهای نظیر ترکیه و کشورهای غربی از جنبش سوریه را نشانه دخالت نامشروع آنان در امور داخلی این کشور و توطئه این کشورها برای تجزیه سوریه تصویر می‌کند. العالم، اخباری مبنی بر

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

اعتراض مردم سوریه به دخالت‌های آمریکا و غرب در این کشور منتشر می‌کند و در عین حال مواضع ایران را در حمایت از نظام سوریه تبلیغ می‌کند.

در مورد نقش رسانه‌ها نیز این تفاوت در تصویرسازی دیده می‌شود؛ به طوری که العالم، شبکه الجزیره قطر را به خاطر پوشش اعتراض‌های سوریه و حمایت از انقلابیون، با تیتراهایی نظیر «نقش الجزیره در پیشبرد سیاست‌های آمریکا» و «نماینده کنیست اسرائیل در الجزیره»، وابسته به آمریکا و اسرائیل و مجری سیاست‌های آنان تصویر می‌کند. در مقابل، از نقش غیرفعال رسانه‌ها در پوشش حوادث بحرین انتقاد و از قول مخالفان نظام بحرین، از رسانه‌های خارجی درخواست کمک می‌کند.

پوشش سرکوب اعتراض‌های بحرین از سوی رسانه‌های خارجی، «شکستن سکوت رسانه‌ها در مورد بحرین» عنوان می‌شود، در حالی که پوشش اعتراض‌های سوریه از سوی رسانه‌ها، غیرواقعی، اغراق‌شده و در جهت منافع بیگانگان تصویر می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت نحوه بازنمایی رویدادهای دو کشور از سوی العالم، تصاویری خلق می‌کند که در مجموع باعث می‌شوند انگاره‌ای مثبت از اعتراض‌ها و مخالفان بحرین و همچنین از نظام سوریه و اقدام‌های آن در ذهن مخاطبان شکل گیرد. در مقابل، انگاره‌ای منفی از اعتراض‌ها و مخالفان سوریه و همچنین نظام بحرین و اقدام‌های آن شکل می‌دهند.

مؤلفه‌های گفتمانی به کار رفته از سوی العالم

بر اساس تحلیل کیفی پوشش خبری العالم و با توجه به مطالبی که گفته شد، مؤلفه‌های گفتمانی به کار رفته از سوی العالم در مورد وضعیت بحرین و سوریه استخراج شد که در جدول (۳) در مقابل هم نشان داده شده است.

جدول ۳. مقایسه مؤلفه‌های گفتمانی به کار رفته در مورد وضعیت دو کشور بحرین و سوریه در سایت العالم

تعمیر به کار رفته در مورد وضعیت کشور بحرین	تعمیر به کار رفته در مورد وضعیت کشور سوریه
رژیم آل‌خلیفه	نظام سوریه
انقلابیون	مزدوران
دفاع مقدس معترضان	اقدام‌های تروریستی مخالفان
شهادت معترضان	کشته شدن مخالفان
اعتراف‌های ساختگی دستگیرشدگان	اعتراف به خرابکاری و مزدور بودن دستگیرشدگان
ترور مردم (مخالفان حکومت)	ترور حامیان حکومت
کشتار مردم	کشته شدن نیروهای امنیتی
بیداری اسلامی	خرابکاری و آشوب
تظاهرات گسترده مردم برضد آل‌خلیفه	تظاهرات گسترده مردم در حمایت از بشار اسد
تظاهرات مسالمت‌آمیز مخالفان	اقدام‌های مسلحانه مخالفان
انقلاب به‌عنوان تنها راه‌حل	اصلاحات و گفتگو به‌عنوان تنها راه‌حل
شکاف در حاکمیت و بحرانی بودن اوضاع	تحت کنترل بودن اوضاع
ناتوانی و انزوای حکومت	ایستادگی و ثبات حکومت
وابستگی رژیم به بیگانگان	وابستگی مخالفان به بیگانگان
خشونت و انتقام‌جویی مسئولان	صلح‌طلبی مسئولان
دخالت غرب در سرکوب مردم	دخالت نظامی - اطلاعاتی غرب بر ضد نظام سوریه

❖ سال چهاردهم، شماره بیست‌ودوم، تابستان ۱۳۹۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر به‌منظور بررسی پوشش خبری سایت فارسی شبکه تلویزیونی العالم در مورد رویدادهای دو کشور بحرین و سوریه، در مقطع زمانی که به «بیداری اسلامی» شهرت گرفته، انجام شده است.

در این بررسی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده، نمونه‌گیری آن هدفمند از نوع روزهای متوالی و واحد تحلیل آن نیز «خبر» است.

یافته‌های بخش کمی نشان می‌دهد:

❖ بر اساس آزمون کای اسکوئر محاسبه شده، بین کشور و نوع جهت گیری به کار رفته از سوی العالم رابطه معناداری وجود دارد.

سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲
۷۷/۷ درصد کل اخبار مربوط به بحرین و ۲۲/۳ درصد مربوط به سوریه است. از میان اخبار مربوط به بحرین، ۹۶/۵ درصد دارای جهت گیری منفی نسبت به حکومت و ۳/۵ درصد خشی هستند. از میان اخبار مربوط به سوریه نیز، ۹۱/۸ درصد دارای جهت گیری مثبت نسبت به حکومت و ۸/۲ درصد خشی هستند. ضمناً هیچ خبری دارای جهت گیری مثبت نسبت به حکومت بحرین یا جهت گیری منفی نسبت به حکومت سوریه نیست.

همچنین از مجموع ۲۴۵ خبری که جهت گیری منفی نسبت به حکومت دارند، ۱۰۰ درصد آنها درباره حکومت بحرین و از ۶۷ خبری که جهت گیری مثبت نسبت به حکومت دارند، ۱۰۰ درصد آنها درباره حکومت سوریه هستند.

نتایج به دست آمده نشان می دهند در دوره مورد بررسی، حوادث بحرین به طور معناداری پوشش خبری بیشتری نسبت به حوادث سوریه گرفته است. همچنین حکومت سوریه به طور معناداری پوشش خبری مثبت تری نسبت به حکومت بحرین گرفته است. در عین حال می توان گفت برجسته سازی رویدادهای بحرین نیز بیشتر از رویدادهای سوریه بوده است.

برخی از یافته های بخش کیفی نیز نشان می دهد:

العالم در مورد معترضان و مخالفان سوری عموماً واژگان منفی (سیاه) به کار برده و در مورد معترضان بحرینی از واژگان مثبت (سفید) استفاده کرده است. واژگان مثبت و منفی به ترتیب درباره حکومت های سوریه و بحرین نیز به کار رفته اند.

در پوشش اخبار دو کشور، پیش فرض مشروعیت نظام سیاسی سوریه و عدم مشروعیت نظام سیاسی بحرین و نیز پیش فرض متفاوت بودن اعتراض های سوریه

نسبت به اعتراض‌های بحرین و به‌طور کلی بیداری اسلامی منطقه دیده می‌شود. از نظر دلالت‌های ضمنی، تفاوت‌هایی در نحوه‌ی القای خواست و اراده‌ی دو ملت به‌نظر می‌رسد، یعنی این‌چنین به مخاطب تلقین می‌شود که خواست و اراده‌ی مردم بحرین، سرنگونی رژیم آل‌خلیفه و خواست و اراده‌ی ملت سوریه، بقای نظام حاکم است. همچنین پوشش خبری العالم تداعی‌کننده‌ی وضعیت بحرانی بحرین و از کنترل خارج شدن اوضاع در این کشور و آرام شدن و تحت کنترل بودن اوضاع در سوریه است. چارچوب‌هایی نیز در پوشش خبری العالم ملاحظه می‌شود که یکی از آنها چارچوب ضدصهیونیستی، ضدآمریکایی و ضدغربی است؛ العالم، حکومت بحرین را حکومتی وابسته به غرب و مجری سیاست‌های آمریکا و صهیونیسم قلمداد می‌کند و بنابراین مقاومت مردم بحرین در مقابل چنین نظامی، مقاومت در برابر غرب، آمریکا و اسرائیل تعبیر شده و ستوده می‌شود. اما همین چارچوب در اخبار مربوط به سوریه بر ضد معترضان به‌کار می‌رود. به این معنا که نظام سوریه از آنجا که حکومتی مبارز و مخالف سیاست‌های آمریکا و غرب است، مورد توطئه‌ی بیگانگان قرار گرفته که قصد تضعیف محور مقاومت منطقه را با سرنگونی نظام سوریه دارند و بدین ترتیب اعتراض‌های مخالفان سوری برخاسته از توطئه‌ی آمریکا، برخی کشورهای اروپایی و صهیونیست‌ها برای ضربه زدن به مقاومت سوریه در برابر آنان ترسیم می‌شود. چارچوب اقدام‌های مسلحانه‌ی خشونت‌بار یک عده در سوریه در مقابل چارچوب تظاهرات مسالمت‌آمیز و مقاومت مدنی مردم بحرین و نیز چارچوب انقلاب در بحرین در برابر چارچوب اصلاحات در سوریه، از دیگر چارچوب‌های به‌کار رفته‌اند. از نظر انگاره‌سازی، انگاره‌ای که از حکومت بحرین ارائه می‌شود مبتنی بر تصویر آن به‌عنوان رژیم جنایتکار، استبدادی، متجاوز، غیرانسانی و فاقد پایگاه

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۲

مردمی است. در مقابل، انگاره‌سازی سایت العالم از حکومت سوریه مبتنی بر تصویر آن به‌عنوان نظام و حکومتی مورد حمایت مردم، در پی اصلاحات، مستقل، مقاوم و ضدامپریالیستی است. از سوی دیگر، انگاره‌سازی العالم از اعتراض‌های بحرین مبتنی بر تصویر این مخالفت‌ها به‌عنوان نهضتی اسلامی، پویا، حق‌طلبانه، مظلوم و گسترده است. در مقابل، انگاره‌ای که از اعتراض‌های سوریه ترسیم می‌شود مبتنی بر تصویر آن به‌عنوان حرکتی مسلحانه، تروریستی، در جهت برهم زدن نظم عمومی، پراکنده و برآمده از توطئه بیگانگان است.

به‌طور خلاصه و با توجه به همه نتایج، می‌توان گفت میزان پوشش خبری العالم در مورد هر یک از کشورهای بحرین و سوریه، جهت‌گیری و برجسته‌سازی این سایت و استفاده آن از واژگان، پیش‌فرض‌ها، تلقین‌ها، چارچوب‌ها، انگاره‌ها و کلیشه‌ها به‌گونه‌ای است که در مجموع ذهنیت مثبتی از اعتراض‌ها و مخالفان بحرین و همچنین از نظام سوریه و اقدام‌های آن در مخاطبان ایجاد می‌کند و در مقابل تصاویری منفی از اعتراض‌ها و مخالفان سوریه و همچنین نظام بحرین و اقدام‌های آن در ذهن مخاطبان شکل می‌دهد.

به‌عبارت دیگر می‌توان چنین استنباط کرد که در مجموع، پوشش رویدادهای دو کشور از سوی العالم، با منافع حکومت سوریه همخوانی بیشتری دارد و در مقابل همخوانی کمتری با منافع حکومت بحرین دارد که این رویکرد خبری با سیاست خارجی رسمی کشور هم‌راستا به‌نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

احمدی، علی، (۱۳۸۸). «بازتاب اخبار فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های خبری بین‌المللی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.

بی‌بی‌سی، (۱۳۹۰). «نمایه سیاسی سوریه». بازیابی از سایت فارسی بی‌بی‌سی http://www.bbc.co.uk/persian/news/story/2005/03/050301_pm-profile-syria.shtml.

پورطالب، روح‌الله، (بی‌تا). «بررسی روابط ایران و بحرین در گذر تاریخ». بازیابی نسخه پی.دی.اف از سایت کانون پژوهش‌های دریای پارس

<http://www.persiangulfstudies.com/userfiles/file/ravabet.pdf>
په، دایانا و س.ر.، ملکوت، (۱۳۷۶). «جهت‌گیری سیاسی در گزارشگری روزنامه». ترجمه محمد مهدی فرقانی، رسانه، سال هشتم، شماره ۱: ۴۱-۳۵.

ثابت سعیدی، شهرزاد، (۱۳۸۷). «بازتاب بین‌المللی اخبار دستگیری ملوانان انگلیسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.

سورین، ورنر و جیمز تانکارد، (۱۳۸۶). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

العالم، (اردیبهشت ۱۳۹۰). «درباره ما». بازیابی از سایت فارسی العالم <http://fa.alalam.ir/aboutus>
عیوض‌لو، زهرا، (۱۳۸۳). «بررسی نحوه انعکاس اخبار مربوط به جنگ نیروهای ائتلاف علیه عراق در روزنامه‌های تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.

فرقانی، محمد مهدی، (۱۳۸۲). *راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*. تهران: فرهنگ و اندیشه.

قدیری، مهدی، (۱۳۸۴). «نحوه انعکاس اخبار جنگ عراق از تلویزیون ایران: مقایسه تطبیقی با اخبار خبرگزاری ایستا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.

مولانا، حمید، (۱۳۸۰). «انتفاضة فلسطين و انگاره‌سازی رسانه‌های غربی». روزنامه جام جم، سال دوم، شماره ۵۱۳.

مهدی‌زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: همشهری.

ناصری‌زاده، فاطمه، (۱۳۸۱). «برجسته‌سازی اخبار تلویزیون ایران و مقایسه آن با روزنامه‌های تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات.

هولستی، ال. آر، (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

Burton, B. E. & Keenleyside, T. A., (1991). "Of Mice and Monsignors: The Press and Canadian Policy Towards the Middle East", University of Windsor, *Canadian Journal of Communications*, Volume 16, Number 3/4: 367-379.

Devereux, Eoin, (ed.), (2007). *Media studies: key issues and debates*. London, UK: SAGE Publications.

Edy, J. A. & Meirick, P.C, (2007). "Wanted, dead or alive: Media frames, frame adoption, and support for the war in Afghanistan". *Journal of Communication*, 57: 119-141.

Entman, Robert M, (1993). "Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm". *Journal of Communication*, 43 (4): 51-8.

Geographica: The Complete Illustrated Atlas of the World, (2004). Germany: Könemann.

Van Dijk, Teun, (1991). "The Interdisciplinary Study of News as Discourse". In K. Bruhn-Jensen & N. Jankowski (eds.). *A Handbook of Qualitative Methods in Mass Communication Research*. London: Routledge.

Van Gorp, B, (2007). "The Constructionist Approach to framing: Bringing the Culture back". *Journal of communication*, 57 (1): 60-78.

Wikipedia- a, "بهار عربی", Retrieved from Wikipedia:
http://fa.wikipedia.org/wiki/عربی_بهار

Wikipedia- b, "خیزش سوریه", Retrieved from Wikipedia:
http://fa.wikipedia.org/wiki/سوریه_خیزش (۲۰۱۱)